

نامید

یشت ها، ترجمه و تفسیر ابراهیم پورداود، اساطیر ۱۳۷۷.

ناهید

بم‌اه روشن و تابنده خورشید

بفرخ مشتري و پاك ناهید^۱

عناصر چهارگانه

در آیین مزدیسنا کلیه عناصر اربعه که آتش و آب و هوا و خاک باشد مقدس است غالباً در اوستا از آنها سخن رفته است برخی از آنها نیز در اوستا دارای یشت مخصوصی است در میان این عناصر آتش بخصوصه مقدس تر است آذر ایزد موکل آن است هر چند که از برای این فرشته یشت مخصوصی نداریم اما در سراسر کتاب مقدس و کتب مذهبی پهلوی از علو مقام او سخن رفته است.

عنصر دیگر که هوا باشد دارای یشت مخصوصی است پانزدهمین یشت از آن فرشته هواس است هر چند که این یشت به رام یشت نامزد است اما در هیچ جای آن صحبت از ایزد رام نیست در سراسر آن از فرشته هوا صحبت شده است این فرشته در اوستا موسوم است به (وایو) **vayu** و در پهلوی (اندروای) گویند .

خاک یا زمین در تحت حمایت چهارمین امشاسپند سپندارمذ (سپنت آرمی) میباشد از برای آن نیز یشت مخصوصی نداریم. آب که موضوع مقاله ماست بعد از آتش مقدس ترین عنصر است در ایران قدیم چنانکه خواهید دید ستایش فرشته آن موسوم به ناهید در کلیه ایران زمین و ممالک همسایه رونق تمام داشته در اوستا و کتب پهلوی مکرراً و مفصلاً از او ذکر شده است.

یشت پنجم که یکی از بلندترین و بهترین و قدیمیترین یشتهاست موسوم است به آبان یشت و از جلال و عظمت فرشته موکل آن ناهید صحبت میدارد بعلاوه در خورده اوستا نیایش چهارم موسوم است به آبان نیایش این نیایش را که از آبان یشت استخراج شده است در موقعی که در کنار جویبار و آبشار و سر چشمه ای باشند میسرآیند.

در میان یسناها از یسنای ۶۳ تا خود یسنای ۶۹ موسوم است به (آبوزر) که در پهلوی (آبزه) **apzohr** گویند در یاد داشت هرمزدیشت که زور یا (زاوترا) اوستائی مخصوصاً در مراسم مذهبی بکار برده میشود و بمثل آب مقدس عیسویان است. بمناسبت آنکه در این یسناها از آب و فرشته موکل آن ناهید صحبت میشود به (آبوزر) نامیده شد بخصوصه یسنای ۶۵ از فقره يك تا خود فقره پنج مثل فقرات يك تا پنج آبان یشت میباشد در روایت داراب هرمزدیار^۲ آمده است، "خورشید نیایش و مهرنیایش و اردویسور بانو نیایش (آبان نیایش) پیش آتش کردن روانیست" اسم کامل فرشته آب (اردویسور ناهید) میباشد چون این فرشته مونث است گاهی کلمه بانو را به آن می افزایند.

در اوستا از يك فرشته دیگر که نیز مستحفظ آب است یاد شده است این فرشته موسوم است به (اېم نپات) در وید برهمنان نیز چنین آمده است و از آن يك فرشته مذکر اراده شده است.

در هفتن یشت کوچک مجملاً از آن صحبت داشتیم در اوستا نسبه کمتر باین اسم برمیخوریم همینقدر میدانیم که این فرشته را نیز با آب سروکاری است پاسبانی سرچشمه و رود و دریا با اوست^۳.

ایرانیان آب را محترم میداشته اند

پیش از آنکه از ناهید که موکل آب است صحبت بداریم لازم است از عنصر آب که نزد ایرانیان محترم بوده است و مورخین قدیم یونانی از آن ذکر کرده اند مختصراً یادآور شویم.

^۱ ویس و رامین فخر گرگانی ص. ۱۰۹

^۲ در خصوص کتاب روایت رجوع شود به ایرانشاه تالیف نگارنده چاپ بمبئی ۱۹۲۵ میلادی صفحه ۳

^۳ در جاهائیکه در اوستا از (اېم نپات) اسم برده شده است از این قرار است : یسنای ۱ فقره ۵ و یسنای ۲ فقره ۵ و یسنای ۴۵ فقره ۱۲ و یسنای ۷۱ فقره ۲۳ و نشتر یشت فقره ۳۴ و فروردین یشت فقره ۹۵ و زامیاد یشت فقرات ۵۱ و ۵۲ رجوع کنید به صفحه ۱۰۱ همین کتاب پاپورقی شماره ۵

از هرودت مورخ یونانی قرن پنجم پیش از مسیح گرفته تا با آگاسیاس **agathias** مورخ یونانی قرن ششم بعد از مسیح ستایش این عنصر را با ایرانیان نسبت داده اند هرودت مینویسد که ایرانیان بخورشید و ماه و زمین و آتش و آب و باد ستایش نموده برای آنها فدیه و نیاز می آورند.^۱

باز همین مورخ در جای دیگر کتابش مینویسد: "ایرانیان در میان رود بول نمیکند در آب تفو نمی اندازند در آن دست نمی شویند و متحمل هم نمی شوند که دیگری آن را بکثافتی آلوده کند احترامات بسیاری از آب منظور میدارند."^۲ مقصود هرودت آب جاری است مد آن خبری است که استرابون **strabon** جغرافی نویس یونانی نقل میکند: "ایرانیان در آب جاری استحمام نمیکند در آن لاشه و مردار نمی اندازند عموماً آنچه ناپاک است در آن نمیزند." استرابون مفصل تر از هرودت از ستایش آب در نزد ایرانیان مینویسد: "وقتیکه ایرانیان میخواهند از برای آب نیاز و فدیه بفرستند بکنار دریاچه یا جویبار یا چشمه میروند در کنار آن خندق حفر نموده قربانی میکنند بخصوصه احتیاد میکنند که آب را بخون نیالایند پس از آن گوشت قربانی را در روی شاخه های مورد یا غار **laurier** میگذارند، مغها آن را با چوبهای مقدس (مقصود برسم میباشد) لمس میکنند و کلام مقدس (مقصود مترا میباشد) میسرایند زیت آمیخته با شیر و عسل بروی زمین (نه در آب) میریزند شاخه های نمر (برسم) در دست گرفته با سرودهای مفصل قربانی را بانجام میسرانند."^۳

جغرافی نویس مذکور در جای دیگر کتابش ذکر میکند: "مردمان **هیرکانی hyrkanie** (استراباد) در جائیکه آب از سنگ خارا جھیده بدریا فرو میریزد و يك منظره زیبایی تشکیل میدهد فدیه خود را نیاز میکنند."^۴

آنچه هرودت و استرابون در خصوص محترم بودن عنصر آب نزد ایرانیان در قرن پیش از مسیح نوشته اند در قرنهاي چهارم و ششم میلادی نیز موضوعی داشته است چه از مورخین این عهدها هم بما خبر رسیده است که ایرانیان در آب جاری دست و رو نمی شستند مطلقاً بان دست نمی زدند مگر از برای نوشیدن یا بگیاه آب دادن.^۵ برخی از مستشرقین گمان کرده اند که آب دریا برای آنکه شور است مورد احترام ایرانیان قدیم نبوده است ولي دلایلی در دست داریم که دریا نیز در قدیم (چنانکه امروز در نزد زرتشتیان) مقدس بوده است آب دریاچه ارومیه باآنکه بسیار تلخ و شور است مقدس است بسا در اوستا باسم چئچست (در شاهنامه خنجست) از آن یاد شده است در سایر کتب مذهبی پهلوی و یازند نیز این دریاچه بخصوصه محترم است. تیرداد پادشاه ارمنستان برادر بلاش اول اشکانی (۵۱-۷۸ میلادی) که از خاندان بسیار پارسای زرتشتی بود بایستی در سال ۶۶ میلادی^۶ برم رفته در آنجا از دست امپراطور **نرو nero** تاج ارمنستان را بسر بگذارد برای آنکه آب دریا را در طی مسافرت خود بکثافتی نیالاید از راه خشکه خود را برم رسانید.^۷

اخبارات نادرست هرودت

چیزیکه بسیار مایه تعجب است این است که هرودت مینویسد: "وقتی که خشایار شاهنشاه هخامنشی بقصد فتح یونان لشکر عظیم آراسته به هلسپن **helespontos** (داردافل) رسید برای گذشتن از آسیا بخاک اروپا فرمان داد که پلی بروی آب بسازند پس از آنکه پل بانجام رسید دریا به تلاطم در آمده بندهای پل از هم گسسته آن را پراکنده و پریشان کرد شاهنشاه از این حادثه برآشفته امر کرد که سیصد تازیانه با امواج دریا ززند و يك جفت زنجیر در قعر آن افکنند من نیز شنیدم که خشایار شاه میر غضب هم فرستاد تا دریا را با آهن داغ کند و امر کرد که این پیغام باربار **barbaos** و بی معنی را از طرف شاهنشاه بآب برسانند ای آب تلخ سرور و بزرگ تو این چنین سزایت میدهد برای آنکه تو او را آزرده نموده هتک آبرو نمودی شاه خشایار شاه از روی تو خواهد گذشت چه تو بخوای یا نخواهی. مردم حق دارند که از برای تو فدیه نمی آورند زیرا که تو خیانت کار و شور هستی."^۸

نگفته خود پیدااست که این خبر هرودت مورخ یونان دشمن دیرین ایران افسانه بی سروپایی است و مثل اکثر اخبار او بخصوصه آنچه راجع بچنگ ایران و یونان است آلوده بغرض و تعصب است دروغ و مبالغه و استهزاء شاهکار وقایع تاریخی اوست همین خبر را مورخ دیگر یونانی

¹ herodotus I, 181, 182.

² herodotus I, 188.

³ strabon xv,p.1066.

⁴ strabon xi, p. 778.

⁵ act mar tyr s. 181 & agathias ii, 24.

⁶ das urohristentum von meffert iv. Gladbach 1921 s. 578.

⁷ le zend _aveata par dar mes tester vol iii p. xxiii.

⁸ herodotus vii. 35.

موسوم به دیوژنس لرتیوس **diogenes laertius** که در قرن سوم پیش از مسیح میزیسته تکذیب نموده مینویسد که آنرا حقیقی نیست زیرا که آب نزد ایرانیان مانند پروردگار است.^۱

هرودت در چند صفحه بعد از خبر اولی راجع بلشکر کشتی خشایارشا خبر دیگری ذکر میکند که بخوبی بی اساس بودن اقوال وی را می‌رساند از آن جمله گوید :

"ایرانیان مهیا حرکت بودند ولی صبر کردند تا روز بعد در وقت برآمدن خورشید روانه شوند در روی پل برگ مورد پاشیدند انواع و اقسام بخور کردند پس از آنکه خورشید برخاست شاهنشاه خشایارشا آن را ستایش نموده و از طرفی زرین فدیه ای نثار دریا نمود آنگاه آن ظرف را با یک پیاله زرین دیگر و یک شمشیر ایرانی که آنان **akinakes** می‌نامند در آب انداخت من نمی‌توانم بطور حتم بگویم که شاه آنها را نثار خورشید نمود یا آنکه از کرده خود پشیمان گشته خواست از دار داند دلجویی کند برای بی‌احترامی که بدریا کرده بود."^۲

ناهید مربوط به ایشثار نیست

پس از دانستن این مقدمات گوئیم ناهید فرشته ایست که نگهبانی عنصر آب با اوست چنانکه تشریح (تیر) فرشته باران و مترا (مهر) فرشته فروغ است در آئین مزدیسنا از برای کلیه مخلوقات اهورا یعنی آنچه مفید و نیک است فرشته و نیک است فرشته و موکلی قائل هستند بنابراین ایدا جای تعجب نیست که از برای مهمترین عنصر که آب باشد فرشته ای داشته باشیم و این فرشته دارای مقام بلند و ارجمندی باشد برخی از مستشرقین مینویسند که ممکن است ناهید ایرانیان از اثر نفوذ الهه (سومر)^۳ موسوم به (ایشثار) **istar** که بعدها در بابل و آشور هم پرستیده میشد بوجود آمده باشد.^۴ ایشثار که مادر و مولد نوع بشر تصور میشده در برخی از خصایص شباهتی با ناهید دارد و ممکن است بعدها در بیرون از حدود ایران بعضی از خصایص و رسومات دینی این الهه را ضمیمه پرستش ناهید ایرانی کرده باشند.^۵ چنانکه مهر فرشته فروغ ایران در هر مملکتی که نفوذ نمود خصایص پروردگار خورشید آن مملکت جزو آئین او گشت. گذشته از تعریف و توصیفی که در اوستا از ناهید شده است و مجسمه هائیکه نیز از این فرشته بجا مانده است قهرا انسان را به پروردگار بابلی ایشثار منتقل میسازد خیریکه هرودت نقل میکند نیز ممد تصور مستشرقین گردید چه مورخ مذکور مینویسد : "ایرانیان ستایش (اورانیا) **urania** را از آشوریها و عربها آموختند نزد آشوریها (افرودیت) **aphrodite** موسوم است به (میلیتا) **mylitta** و در نزد عربها (الیتا) **alitta** و در نزد ایرانیان (مترا) **mitra** (مهر).^۶ هیچ شك و شبهه در این نیست که هرودت اشتباها مهر را بجای ناهید آورده است چنانکه کلیه مستشرقین این را سهو مورخ یونانی می‌شمرند چه مهر مناسبتی با (اورانیا) و (افرودیت) پروردگاران مونث یونانی ندارد در این جا متذکر میشویم از این خبر هرودت بخوبی بر میآید که ستایش ناهید از زمان بسیار قدیم در ایران معمول بوده اول مورخی که صراحت از ناهید اسم میبرد (بروسوس) **berossus** مورخ و پیشوای معروف کلدان است که در قرن سوم پیش از مسیح میزیسته است کلمنس الکساندر نیوس **klemens alexandrnius** یکی از پیشوایان معتبر عیسوی که در حدود سال ۲۲۰ میلادی وفات یافت از (بروسوس) نقل کرده مینویسد : "مورخ کلدان در کتاب سومش در تاریخ کلدان چنین گوید : ایرانیان بسیار متاخر بستایش کردن پروردگاران آدمی شکل شروع کردند نخست اردشیر دوم هخامنشی (۴۰۴ - ۳۶۱ پیش از مسیح) باین امر پرداخته مجسمه افرودیت انائیتیس (ناهید) را در بابل و شوش و همدان و دمشق و سارد برپا نمود و ستایش او را بمردمان فارس و باختر آموخت."^۷ در این جا اشاره ای داریم به اینکه ستایش ناهید در هر قرنیکه در ایران رواج گرفته باشد جزو آئین ایران قلم است و ناهید متعلق به گروه فرشتگان و ایزدان آریایی است چه در ریگ و ید برهمنان دو تن از الهات یکی موسوم به سینی والی **sinivali** و دیگری **sarasvati** سرسواتی موجود و شبیه به ناهید هستند. ناهید پس از آنکه از ایران گذشته بممالک همسایه نفوذ نمود در میان اقوام سامی عراق و در آسیای صغیر رنگ و روی برخی لژ

^۱ diogenes laertius prooem _ segm 9.

^۲ herodotos vii, 54.

^۳ در خصوص قوم (سومر) **sumer** رجوع شود به مقاله امشاسپندان (عدد هفت) صفحه ۷۴ - ۷۹

^۴ geschichte der reli gion im altertum, die religion bei religion bei den iranischen volker von tiele, deuts. Von gehrich s. 258.

^۵ در خصوص ایشثار **istar** رجوع شود به alf. Jeremias, leipzig 1918 s. handbuch der altorientalischen geistes kultur von .253 _ 4.

^۶ herodotos I, 131.

^۷ clem. Alex. Protr 5. 65, 4 pers. Anahita oder anahita von fr. windischmann s. 4.

آلهت اقوام بیگانه بخود گرفت ممکن است در خود ایران پس از آنکه مدتها ستایش او در مغرب متداول بوده در عهد اردشیر بسایر نقاط مملکت سرایت کرده باشد.¹



¹ geschichte des alten persiens von Justi s. 93 _ 94. و رجوع کنید به die altpersische religion und das judentum von scheftelowitz s. 230.

اشتقاق کلمات اردویسور ناهید

گفتیم که اسم کامل فرشته آب اردویسور ناهید میباشد در اوستا اردوی سور ناهیت آمده است این اسم مرکب است از سه کلمه که هر سه اصلا صفت بوده است بسا از اسامی امشاسپندان و ایزدان مرکب است از يك صفت و يك اسم ارد ویسور ناهید یگانه اسم خاص اوستائی است که از سه صفت ترکیب یافته است :

جزء اول اردوی از کلمه ارد **ared** که بمعنی بالا برآمدن و منبسط شدن و فزودن و بالیدن است مشتق گردید کلمه (اردوی) در اوستا فقط اسم رودی است باین معنی جداگانه در فرگرد ۲ و ندیداد فقره ۲۲ و فرگرد ۷ فقره ۱۶ استعمال شده است بارتولومه **bartholomae** معنی لفظی آنرا رطوبت و نمناکی ضبط کرده است^۲ ولی غالباً با کلمات (سور) و (ناهیت) يك جا آمده است.

جزء دوم (سور) صفت است. بمعنی قوی و قادر در سانسکریت هم بمعنی نامآور و دلیر است این صفت بسا در اوستا به انسان و سایر فرشتگان مثل مهر و ایرمان و سروش داده شده است در فروردین یشت غالباً بآن بر میخوریم از آجمله در فقرات ۹۰ و ۱۳۰ و غیره سورن که اسم یکی از خانواده‌های شریف عهد اشکانی بوده است بمعنی دلیر و پهلوان است و از همین کلمه اوستائی است فقط این خانواده حق داشته است که تاج بسر پادشاه بگذارد.^۳

جزء سوم که ناهیت باشد نیز صفت است.

خود جداگانه مرکب است از دو جزء اولی (ا) که از ادات نفی است دومی (آهیت) یعنی چرکین و پلید و ناپاک این کلمه اخیر بمعنی مذکور در فرگرد ۱۶ و ندیداد فقره ۱۶ استعمال شده است همین کلمه است که در پهلوی آهک **ahok** و در فارسی آهو گردید و بمعنی عیب و نقص گرفته اند چنانکه خاقانی گوید :

نامش آهو و او همه هنر است

بینی آن جانور که زاید مشک

شاعر شیروانی در این فرد شعر بمر دو معنی آهو که غزال و عیب باشد اشاره میکند چون کلمه (اهیت) مصدر است به (آس) بنا بقاعده کلیه يك حرف نون به (ا) افزوده گفتند ناهیت چنانکه از کلمه ایران انایران (مملکت خارجه) ساخته شد بنابراین ناهیت یعنی پاك و بی آرایش این صفت بسا از برای فرشتگان و اشیاء استعمال شده است غالباً مهر و تشر (تیر) و هوم و برسم و آبور و فروغ و غیره در اوستا بصف ناهیت یا بصف پاكی و بی آیشی متصف شده اند.^۴

در فرس هخامنشی این کلمه تغییر نیافته چهار بار بمعنی فرشته تکرار شده است از آنچه گذشت اردویسور ناهید مجموعاً بمعنی رود قوی پاك یا آب توانای بی آرایش میباشد هر چند که ناهید فرشته آب از مملکت خشک و کم آب ما روی برتافته ولی اسمش در زبان ادبی ما باقی است بسا در اشعار متقدمین بآن بر میخوریم و در فرهنگها ناهد و ناهده و ناهیده و ناهی بمعنی دختر بالغ ضبط است بقول **شفتلویتر** دانشمند آلمانی در يك افسانه اسلامی به ستاره زهره اسم بذخت ناهید داده شده است این کلمه از بغدخت ناهیت آمده است یعنی ناهید دختر بغ (خدا)^۵، اینک چند سال است که ایرانیان بیاد عهد کهن درخشان افتاده دگر باره اسم این فرشته زیبا و بلند بالای اوستا را بدختران مملکت ایران همان سرزمینکه روزی در آن معبد‌های سیمین و زرین ناهید بر پا بود میدهند.

در فارسی نیز ناهید اسم ستاره زهره است یعنی همان ستاره زیبائی که رمها اسم الهه و جاهت را بآن داده و **venos** خوانند اردویسور ناهید هم اسم رودی است و هم اسم فرشته ای که موکل آن است.

² altiranisches wörterbuch.

³ iranisches namenbuch von justi.

⁴ هر مزد یشت فقره ۲۱ تشر یشت فقره ۲ مهر یشت فقره ۸۸

⁵ متاسفانه کتی که شفتلویتر از برای تحقیقات لازمه نشان میدهد در زیر دست ندارم که در خصوص کلمات فوق تحقیق شود رجوع کنید به **scheftelowitz, die alte _ persische religion u. das judentum, giessen 1920 s. 230.**

توصیف ناهید از روی آبان یشت

آنطوریکه این رود در اوستا تعریف شده است باید آن را يك آب مینوي تصور نمود چه آن رودي است به بزرگی تمام آبهاي روي زمین که از فراز کوه (هکر) بدریایی (فراخ کرت) فرو ریزد اقیانوس را بجوش و خروش در آورد رودي است که در زمستان و تابستان یکسان روان است رودي است که از آن هزار رود و دریایی دیگر منشعب است هر يك از رودها و دریاهاي آن باندازه بلند و فراخ است که سوار تند روي در مدت چهل روز طول و دور آنرا تواند پیمود یکی از آن رودها سراسر هفت کشور روي زمین را سیراب کند در کنار هر يك از این رودها و دریاها قصري هزار ستون با هزار دریچه درخشان براي ناهید برپاست در هر قصري در بالاي دیوانی بستر پاکیزه و معطري گسترده است ناهید زني است جوان خوش اندام و بلند بالا و برومند و زیبا چهر آزاده و نیکو سرشت بازوان سفید وي بستري شانه اسبی است¹ با سینه هاي برآمده و با کمر بند تنگ در میان بسته در بالاي گردونه خویش مهار چهار اسب یکرنگ و يك قدرا در دست گرفته میراند اسبهاي گردونه وي عبارت است از باد و ابر و باران و ژاله.

ناهید با جواهرات آراسته تاجي زرین بشکل چرخي که بر آن صد گوهر نور پاش نصب است بر سر دارد از اطراف آن نوارهاي پرچین آویخته طوقی زرین دور گردن و گوشوارهاي چهار گوشه در گوش دارد کفشهاي درخشان را در پاهاي خود با بندهاي زرین محکم بسته جبه اي از پوست سبی ببر که مانند سیم و زر میدرخشد در بر نموده جامه زرین پر چین در بر کرده در بلند ترین طبقه آسمان آرام دارد اهورا مزدا در کره خورشید مقام او را بر قرار نمود بفرمان پروردگار ناهید از فراز آسمان باران و تگرگ و برف و ژاله فرو بارد از اثر استغاثه پارسیان و پرهیزگاران از فلک ستارگان یا از بلندترین قله کوه (هکر) بسوي نشیب شتابد نطفه مردان و مشیمه زنان را پاك کند زایش زنان را آسان سازد شیر را تصفیه نماید بگله و رمه بیفزاید سراسر کشور از پرتو او از خوشي و نعمت و ثروت برخوردار گردد.

شما میتوانید با مطالعه آبان یشت بخوبی پی به احوال فرشته آب (ناهید) خواهید برد. " آبان یشت دلکش ترین قصیده ایست که از ایران قدم بیادگار مانده است تعبیرات و تشبیهات این یشت و یشتهای دیگر در اشعار سخن سرایان بعد هم دیده میشود. اینک ببینیم که در تاریخ ایران چه علائم و آثاری از ناهید باقی است.

ناهید در کتیبه هخامنشی

گفتیم که مورخ کلدی بروسوس در سه قرن پیش از مسیح نوشته است که اردشیر دوم هخامنشی ستایش ناهید را در نقاط مختلف ایران و در ممالکی که در تحت تصرف شاهنشاهان هخامنشی بود منتشر ساخت و مجسمه او را در معابد بر پا نمود. آثار خطوط میخی که از اردشیر دوم مانده است دلیل است که در عهد این پادشاه ستایش ناهید و مهر در ایران بالا گرفته است چه در آثار کورش بزرگ و داریوش بزرگ و خشایار شاه و اردشیر اول اسمی از ناهید و مهر نیست در آثار اردشیر سوم نیز اسمی از ناهید دیده نمیشود فقط يك بار از مهر اسم برده شد. کتیبه که از اردشیر دوم (۴۰۴ - ۳۵۹ پیش از مسیح) در شوش روي يك صغه ستونی کشف شده است از این قرار است: " پادشاه بزرگ اردشیر شاهنشاه پادشاه ممالک پادشاه این زمین پسر داریوش (دوم) داریوش پسر پادشاه اردشیر (اول) اردشیر پسر پادشاه خشایار شاه خشایار شاه پسر پادشاه داریوش (اول) داریوش پسر گشتاسب هخامنشی گوید: این ایوان را داریوش (اول) جد من بنا نهاد در زمان اردشیر (اول) پدر بزرگ من آتش آنرا ویران کرد بنا بخواست اهورامزدا و اناهیت (ناهید) و مترا (مهر) من دوباره این ایوان را ساختم بشود که اهورامزدا و اناهیت و مترا مرا در پناه خود گرفته از هر کینه و خصومتی حفظ کنند و آنچه من ساخته ام ویران نسازند و آسیب نرسانند." کتیبه دیگری که از شاهنشاه مذکور در روي پایه ستونی در همدان پیدا شده است مثل کتیبه فوق است که اردشیر دوم اجداد خود را تا هخامنش اسم میرد و پس از آن گوید: ". . . این ایوان را من بخواست اهورامزدا و اناهیت و مترا بنا کرده ام بشود که اهورامزدا و اناهیت و مترا مرا در پناه خود گرفته از هر کینه و خصومتی حفظ کنند و آنچه من ساخته ام ویران نسازند."²

¹ آبان یشت دلکش ترین قصیده ایست که از ایران قدم بیادگار مانده است تعبیرات و تشبیهات این یشت و یشتهای دیگر در اشعار سخن سرایان بعد هم دیده میشود فردوسی در مقابل بازوان سفید ناهید که بستري شانه اسبی است در توصیف گرشاسب گوید برش چون بر شیر و چهره چو خون دو بازوش مانند ران هیون شاهنامه

چاپ ترنر مکان *turner macan* صفحه ۲۱۳۲

² رجوع شود به *die keilinschriften der achameniden von weissbach 21*

آتشکده های ناهید

در جزو تاریخ اردشیر دوم باز با اسم ناهید و معبد معروفی که با اسم او در همدان بر پا بوده بر میخوریم کورش کوچک برادر اردشیر دوم بامید آنکه خود شاهنشاه ایران گردد با لشکر بزرگی که در جزو آن تقریباً ۱۳ هزار سرباز یونانی بودند بکنگ برادرش شتافت اما در (کوناک) نزدیک بابل شکسته یافته کشته شد معشوقه یونانی کورش کوچک موسوم به (اسپازیا) **aspasia** در جزو غنیمت ها بدست اردشیر افتاده در قصر سلطنتی بسر میرد روزیکه اردشیر پسر خود داریوش را جانشین و ولیعهد خویش قرار داد بنا بعبادت ایران قدمی که در این روز ولیعهد هر چیز که از شاه بخواهد باید مجری دارد داریوش از پدرش خواست که اسپازیا معشوقه عمش را باو بخشد شاهنشاه خواهشش را اجابت نمود اما باطنا از این امر خوشدل نبود پس از چندی اسپازیا را به همدان فرستاد تا در آنجا را هبه معبد ناهید گشته پارسا و پاکدامن بسر برد ولیعهد از حرکت پدرش آزردده گشته سوء قصد وی نمود لکن نقشه او کشف گشته بفرمان شاه بدار زده شد.^۱

در این جا متذکر می‌شویم که معابد ناهید در ایران برای زنان راهبات جای تقوی و پرهیزگاری بود بر خلاف معابد ناهید در آسیای صغیر که از اثر نفوذ مذاهب سامی رنگ و روی دیگر گرفته بود چنانکه بزودی ذکرش بیاید .

معبد ناهید در همدان بخصوصه مجلل و در همه جا معروف بوده است یکی از نویسندگان مدق و موثق عهد قدیم موسوم به پولیبیوس **polybius** که در قرن دوم پیش از مسیح میزیسته در کتاب تاریخش پس از شرح دادن وقوع جغرافیایی شهر همدان و مختصری از تاریخ آن در خصوص لشکر کشی آنتیوس **antiokhos** چنین مینویسد :

"قصر همدان تقریباً هفت (استاد) **stade** (۴۲۰۰ قدم) دور آن میباشد عمارت‌های باشکوهی که در آن ساخته شده است بخوبی ثروت سلاطین بانیهای آنها را نشان میدهد هر چند که تمام چوهاییکه در این بناها بکار برده شد از سدر و سرو است اما در هیچ جا این چوها برهنه دیده نمیشد تیرکهای سقف و قاب و ستونها و رواق کلیه با صفحات فلزات قیمتی پوشیده بوده سیم و زر در این جا و آن جای قصر میدرخشید پوشاک بام نیز از صفحات نقره بوده پس از شرح دادن قصر مورخ یونانی مذکور از معبد ناهید صحبت داشته گوید که در وقت ورود آنتیوخس در این شهر تمام ستونهای ایوان دور پرستشگاه هنوز با صفحات طلا پوشیده بوده است پولیبیوس نمیگوید که این ستونها چه طور ساخته شده ولی از بیاناتش میتوان درک نمود که بنای معبد شبیه بنای قصر بوده است بیشتر پوشاکهای فلزی این معبد در وقت اسکندر بتاراج رفت از این تاریخ به بعد اشیاء قیمتی معبد در معرض دستبرد سلوکیها بود تا آنکه ما بقی مانده آلات طلا و نقره آنها آنتیوخس بزرگ که مقتدرین سلاطین سلوکید است (۲۲۳- ۱۸۶ پیش از مسیح) در عهد اردوان اول (اشک سوم) غارت کرده مبلغ چهار هزار (تالت) **talente** مسکوک داخل خزینه خویش نمود.^۲ برخی از دانشمندان گمان کرده اند که قدمت معبد ناهید همدان تا بعهد دومین پادشاه ماد هووخشتر (۶۲۵- ۵۷۵ پیش از مسیح) یا جانشین وی استیاج میرسد.^۳

ایزیدروس خراکس **isidorus von charax** جغرافی نویسنده یونانی که در سال ۳۷ میلادی میزیسته نیز از همدان پایتخت ماد و از خزینه و معبد ناهید آنجا و معبد ناهید در کنگاور ذکر کرده است.^۴ یکی از معبد‌های بسیار معروف ناهید در شوش (خوزستان) واقع بوده است آثارش هنوز موجود است همان است که بقول پولیبیوس **polybius** پادشاه سلوکید آنتیوخس چهارم معروف به اپیفانوس **epiphanus** (۱۷۵- ۱۶۴ پیش از مسیح) برای آنکه پولی بخزانه نمی خود برساند قصد غارت آن نمود این معبد که از دستبرد ماکدونیهها محفوظ مانده بود دارای زینتهای بسیار گران بها بوده است اپیفانوس بتاراج آن موفق نشد چه اهالی شوش با او جنگ نموده برجعت مجبورش کردند پس از چندی پادشاه غارتگر سلوکید دیوانه گشته بمرد مردم میگفتند که ایزد ناهید او را از برای سوء قصدش بسزا رسانید.^۵

پلینیوس **plinius** مورخ رومی که در سال ۷۹ میلادی در گذشت مینویسد که در معبد ناهید شوش یک مجسمه بسیار سنگین ناهید که از طلا ساخته بودند برپا بود این مجسمه در اوقات جنگ سردار رومی **antonius** بضد اشک پانزدهم (فرهاد چهارم ۳۷- ۲ میلادی) بغارت

^۱ خبر فوق را پلوتارخس از کتزیاس **ktesias** ودینون **dinon** نقل میکند رجوع کنید به **geschichte des alten persiens von justi s. 135_7** و **aufatze.zur persischen geschichte von th. Noldeke s. 62_63** به

^۲ **polybius x, xxvii, 9_10 & 12** رجوع کنید به **parthia by geo. Rawlinson p. 59** و به **eransche alterthumskunde von spiegel, zweiter band s. 57**.

^۳ رجوع شود به **histoire de iart, tome v. perse par perrot et chipier paris 1890 p. 499_500**.

^۴ **isidorus von charax ii, p. 6**.

^۵ **geschichte des alten persiens von justi s. 94**.

رفت بنابراین در میان سال ۳۵ و ۳۳ پیش از مسیح^۶ معبد دیگری از ناهید در کنگاور که هنوز خرابه اش موجود و از آثار بسیار مهم ایران قدیم است بر پا بود.

بقول پورفسور هرتسفلد **herzfeld** معبد مذکور از زمان اشکانیان باقی مانده و از بزرگترین معابد دنیای قدیم محسوب میشده است آبادی کنونی کنگاور فقط قسمت وسطی معبد را گرفته است^۱ خرابه با شکوه این معبد عبارت است از پشته ای که ۶۴۰ پی طول و ۵۴۴ پی عرض آن میباشد در اطراف آن ایوانی به پهنای ۴۴ پی با ستونهای بلند ساخته شده بود هنوز چند ستون در گوشه شمال شرقی معبد بر پاست در این بناها صنعت معماری ایران و یونان دیده میشود دندانانهای اینه و برخی از نقوشات دیگر بحجاریهای قصور پرسپولیس شبیه است^۲ در این خرابه هیچ آثار خطی و کتیبه ای موجود نیست و حفاریات در آن نیز دشوار است چه آبادی قصبه کنگاور چنانکه گفتیم در داخل معبد ساخته شده است.

پی شک این معبد همان است که یاقوت حموی در معجم البلدان در تحت کلمات قصر کنگور و قصر الصوص محل آن را در میان همدان و قرمیسین (کرمانشاه) معین نمود گوید :

"بناهای باشکوه آن در روی یک پشته تقریباً به بلندی بیست ارش (تقریباً ده زرع) واقع است گنبدها و ستونهای آنها بغایت زیبایی و استحکام است."

یاقوت این بناها را از آن خسرو پرویز تصور نموده اقامتگاه شیرین ضبط کرده است^۳ از گوشه و کنار تاریخ بخوبی بر میآید که در تمام قرون اقتدار از عهد هخامنشی گرفته تا فتح عربها در تمام نقاط ایران معابد ناهید وجود داشته است. طبری مینویسد : که ساسان پدر بزرگ اردشیر بابکان در اصطخر پیشکار و متولی معبدی موسوم به آتشکده (اناهذ) بوده است بنا بقولی در همین معبد در سال ۳۴۰ میلادی سرهای شهدای عیسوی را آویخته بودند^۴ طبری در جای دیگر تاریخش از معبد ناهید اسم برده مینویسد :

"اردشیر بابکان اول بطرف سگستان حرکت کرد از آنجا به گرگان پس از آن بابر شهر و بعد مرو و بلخ و خوارزم و تا آخرین نقاط ممالک خراسان رفت و از آنجا مرو برگشت پس از آنکه بسیاری از مردمان را کشت و سرهای آنان را به آتشکده ناهید فرستاد از مرو بطرف فارس مراجعت نموده در گور (فیروزآباد) اقامت گزید."^۵

گذشته از آثار معابد در جزو حجاریهای نقش رستم در فارس در جوار تخت جمشید نقشی نیز از عهد ساسانیان از ایزد ناهید باقی است در این نقش ناهید برومند و بلند بالا پیا ایستاده تاجی جواهرنشان بر سر گذاشته نوارهای پرچین از آن فرو آویخته است طوق دور گردن و سایر زینتهای او یادآور او صافی است که در آبان یشت از این فرشته شده است در مقابل او شاهنشاه ساسانس نرسی (۲۹۳ - ۳۰۳ میلادی) پیا ایستاده نگینی که علامت قدرت و اقتدار است از او میگیرد.^۶

از آنکه مادر طی مقاله همیشه (معبد ناهید) ذکریم مقصود این نیست که ناهید خود مستقلاً دینی و دارای پرستشگاه مخصوصی بوده است ناهید از ایزدان دین مزدیسناست در جزو عبادات و مراسم مذهبی مثل فرشتگان سایر مذاهب ستوده میشده است چنانکه امروز هم در نزد پیروان آئین زرتشت ستوده میشود. معبدهای ایران قدیم بطور عموم آتشکده نامیده میشده، برخی از این آتشکده ها بناهید تخصیص داشته است شاید در آنجا ناهید را با آدایی که مناسب مقام او بود ستوده و خواشها و استعنائاتی از او میکرده اند چنانکه امروز بسیاری از کلیسیاهای عیسویان با اسم مقدسین و مقدسات این دین است بنا بوقوع معابد ناهید در ایران و در مملکت همسایه در کنار رودها یا نواحی پر آب میتوان گفت که مخصوصاً دقت داشته اند که پرستشگاه فرشته آب در نواحی نزدیک آب باشد.

^۶ geschichte des alten persiens von justis s. 150 _ 151. plinius n. h. xxxiii, 4, 82 persische anahita oder anaitis von windisch _ mann s. 12.

^۱ نشریات انجمن آثار ملی فهرست مختصری از آثار و ابنیه تاریخی ایران تهران شهریور ۱۳۰۴

^۲ geschichte des alten persiens von justis s. 94.

^۳ از برای نقوش و آثار معبد ناهید در کنگاور رجوع کنید به perse ancienne par flandin et coste, les planches 20 a 23 et texier, planches 62 a 68.

^۴ martyr. Ed st. e. esemani I, 95.

^۵ tabari, ubersetzt von noldeke s. 4 ,, ,, ,, ,, s. 17.

^۶ die kunst des alten persien von sarre berlin 1922 fig. 81.

شهرت ناهید نزد یونانیان و ستایش وی در آسیای صغیر

مورخین یونان (ناهیت) اوستا را انائیتیس **anaitis** نوشته اند غالباً او را ارتمیس **artemis** انائیتیس گفته اند یعنی که اسم الهه عصمت و عفت یونانی را باو داده اند. مورخین رم و بیزانس او را دیانا **diana** خوانده اند که در نزد رماها بمثلله ارتمیس یونانیهاست و بسا او را ارتمیس ایرانی یا دیانا ایرانی ذکر کرده اند فقط کلمنس الکساندرنیوس از بروسوس نقل کرده: افروdit انائیتیس نوشته است بی شک افروdit **aohrodite** که نزد یونانیان الهه عشق و شهوت است بیچ وجه مناسبتی با ناهید ندارد.

ناهید که امروز فقط اسمی از او در زبان ادبی ما باقی است در ایران قدم از ایزدان و در سایر ممالک از پروردگاران بوده است در ممالک وسیعه که در تحت تصرف ایران بوده نیز آتشکده وی وجود داشته است در سراسر آسیای صغیر تا به نزدیک دریای یونان در سارد پایتخت لیدی بتوسط مورخین قدم از معابد او به ما خبر داده شده است بخصوصه در برخی از ممالک آسیای صغیر ستایش او رونق تمام داشته از آنجمله در ارمنستان بمناسبت آنکه شعبه ای از خانواده اشکانیان در این مملکت هم سلطنت داشته است دین زرتشت در این عهد در آنجا نفوذ نموده مهر و ناهید و بهرام و سایر فرشتگان مزدیسنا در آنجا ستوده میشده اند.¹

کار ستایش ناهید در این سر زمین باندازه ای بالا گرفته بود که ایالت اکیلین **akilisen** همانجاکیکه سرچشمه های فرات است در یک قرن پیش از مسیح در عهد استرابون جغرافیانویس یونانی انائیتیس نامیده میشده است. معبد ناهید در این ایالت شهرت تمام داشته همان است که بقول پروکوپوس **procopius** بعدها عیسویان بدون آنکه تغییری در بنای آن بدهند بکلیسیا مبدل کردند²، ولی در ممالک آسیای صغیر آئین و رسوم اقوام سامی ضمیمه ستایش ناهید گشته بکلی رنگ و روی دیگری بخود گرفت. استرابون مینویسد:

در معبد ناهید در اکیلین دخترهای جوان از خانوادهاي شریف و بزرگ چندی مثل راهبات در خدمت معبد بسر میردند و خود را برای استفاده عموم وقف می نمودند پس از مدتی شوهر اختیار میکردند بدون آنکه عمل پیشین آنان ننگین و پست شمرده شود.³ عادت مذموم مذکور در هیچ عصری چنانکه کلیه مستشرقین و مورخین نوشته اند نزد ایرانیان معمول نبوده و بر خلاف آئین مزدیسنا در طی اخبارات قدم نیز از یک جشن سالیانه موسوم به (ساکانه) **sakaa** سخن رفته است از آنجمله استرابون در این خصوص مینویسد اسکیت ها⁴ وقتیکه بارمنستان و (کاتپاتوکا) اناطولی هجوم آوردند سردار ایرانی آنجا بانان شبیخون برده شکست داد بیاد این فتح محلی را خاکریزی نموده در بالای آن معبدی از برای انائیتیس (ناهید) و اومانس **omanos** (وهومن) ساختند در هر سال جشن مذهبی موسوم به (ساکانه) **sakaa** در آنجا میگرفتند و هنوز هم در نزد اهالی آن محل که الحال موسوم است به (زلا) **zela** این جشن معمول است پس از آن استرابون افزوده مینویسد:

برخی گویند که کورش اسکیت ها را شکست داده و روز فتح را جشنی از برای الهه وطن خود برقرار ساخت در هر جائیکه معبدی از ناهید برپاست این جشن نیز معمول است در این عید مردم لباسی بطرز اسکیت ها پوشیده باده پیمائی مینمایند زن و مرد با هم زد و خورد میکنند چه در این جشن که یادگاری از فتح و ظفر است اسکیت ها را با حیلہ جنگی مست نموده برخی را در خواب و برخی دیگر را در رقص و بازی گرفتار و اسیر نمودند⁵ در معبد (زلا) برای امر مهمی سوگند یاد میکردند⁶ جشن ساکانه یکی از اعیاد ایران قدم بوده است و مورخینی که پیش از استرابون میزیسته و آنانیکه بعد از او آمده اند نیز از جشن مذکور ذکر کرده اند از مجموع اخبار میتوان استنباط نمود که این جشن تخصیصی به ناهید داشته است⁷ در جزو تاریخ ارمنستان و سایر ممالک آسیای صغیر بسا باسم ناهید و معبد آن در شهر های مختلف برمیخوریم وندیشمان **windischmann** اخبارات مورخین را راجع باین موضوع در کتابی جمع کرده⁸ از ذکر همه آنها اطلاعات مخصوصی راجع به ستایش ناهید بدست نخواهیم آورد مگر آنکه خواهیم دانست که این فرشته نیز در بیرون از حدود وطن خود ایران دارای مقام بسیار بلندی بوده است حتی در شهر (ارز) **erez** چنانکه یک مورخ ارمنی قرن چهارم میلادی (اگاتانگوس **agathangelus**) خبر میدهد مثل معبد خوزستان ناهید دارای مجسمه طلا بوده است.

¹ geschichte des alten persiens von justi s. 95.

² procopius, de bello perse I, 17, p. 83 ed bonn.

³ strabon, xi, p. 532, ed. cas.

⁴ اسکیت **saka** اسمی است که به کلیه اقوام وحشی که در شمال دریای سیاه و در قفقاز و ترکستان روس بوده اند داده میشود اصلاً آریایی نژاد بوده اند اسامی

بسیاری از شاهزادگان آنان ایرانی است مذهب آنان نیز آریایی بوده است.

⁵ persische anahita oder anaitis von windischmann s. 7.

⁶ strabon xii, p. tokat گویند در طرف غربی توکات **zilleh** مملکت ساحلی دریای سیاه واقع است امروز زله **pontus** در پونتوس **zela** زلا

559. ed. Cas.

⁷ heiligen schriften der parsen von spiegel band 2 s. civ.

⁸ persische anahita oder anaitis von windischmann, munchen 1856.

در انجام مقال يك فقره از اخبار مورخ مذکور ارمني را ذکر نموده ختم میکنیم هر چند که اخبار اگاتانگوس که خود کشیش متعصبی بوده است مخلوط بافسانه است ولي تا بیک اندازه حاکی نفوذ ستایش ناهید است در ارمنستان در کتاب تاریخ کشیش مذکور شرحی راجع به عیسوی شدن ارمنستان به توسط (گرگوری ایلومیناتور) **gregory illuminator** معروف که از سال ۲۹۴ میلادی^۹ در ارمنستان مشغول کار بوده مردم را بدین عیسی دعوت میکرد و مکالمات او با تیردات پادشاه ارمنستان مندرج است از آن جمله مینویسد :

تیرداد مبلغ دین عیسی گرگور را تهدید نموده گفت : اگر تو قبول نکنی که پروردگاران را ستایش نمائی بخصوصه این ملکه بزرگ اناهیت را کسیکه مایه شرف و نجات ملت ماست کسی که همه پادشاهان او را میستایند و بخصوصه پادشاه یونانیها نیز او را میپرستند کسیکه مادر کلیه دانش و خرد است کسیکه خیرخواه نوع بشر و از نسل ارامزد **aramazd** (هرمزد) بزرگ و تواناست در جای دیگر در جواب تیردات به گرگور مینویسد : "آنانکه پروردگاران حقیقی هستند تو دشمن میداری اناهیت بزرگ را کسیکه از پرتو او ارمنستان زنده بوده و هست ارامزد بزرگ و توانا را کسیکه آفریننده آسمان و زمین است و سایر پروردگاران را تو بی جان و بی زبان مینامی."

در يك جای دیگر کتابش باز مورخ ارمني در يك فرمان تیردات از اناهیت اسم برده مینویسد :

ثروت فراوان از طرف ارامزد توانا و یاری ملکه اناهیت و قوت و هاگن **vahagn** (هرام) نصبی شما و سراسر مملکت ارمنستان باد.^{۱۰} تیردات که ظاهراً در سال ۳۱۴ میلادی مرد در سالهای اخیر عمرش به توسط همین گرگور بدین عیسی گروید. معابد ناهید را که در ارمنستان بزرگ موجود بود با همراهی گرگور خراب کرد یعنی همان معابدی که به قول اگاتانگوس در سال اول سلطنتش بزیارت آنها رفته بود از این تاریخ به بعد بزور و جبر دین عیسی جای مزدیسنا را گرفت. معابد زرتشتی در جزو آنها آتشکده های ناهید خراب یا به کلیسیا تبدیل یافت ولي هنوز هم بسیاری از آثار دین قدیم در کیش عیسویان ارمنستان باقی است چنانکه در کلیه مذهب عیسی آثار و نفوذ آئین مترا (مهر) فرشته فروغ ایرانیان آشکارا و هویدا است.^۲

Typed by: Mohammad zhulideh

Converted to PDF by: Yaqlesh Kazemi

YAGHESH
A PERSONAL SITE

<http://pardis.150m.com>

⁹ geschichte irana von justi (grundriss der iran. philologie) s. 522.

¹ رجوع کنید به 22 _ 21 pers. Anahita oder anaitis s.

² رجوع کنید به مقاله مهر در قسمت آئین مهر در رم 22.